

جایگاه، آداب و آثار انفاق از دیدگاه قرآن کریم

احمد عربشاهی کریزی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۴

چکیده

هدف این پژوهش بررسی ابعاد مختلف انفاق از دیدگاه قرآن کریم می‌باشد. در این مقاله انفاق از دیدگاه قرآن کریم در سه بعد: اهمیت و جایگاه انفاق و تأکید آن در قرآن کریم؛ شرایط و آداب انفاق از نظر قرآن کریم؛ و آثار انفاق از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در قرآن کریم انفاق به شکل‌های مختلف مورد تأکید واقع شده است. در بعضی آیات جایگاه انفاق پس از ایمان آوردن و برپاداشتن نماز قرار گرفته است که نشان از جایگاه ارزشمند انفاق دارد. انفاق در راه خدا مایه رستگاری است. در مورد شرایط و آداب انفاق از نظر قرآن کریم می‌توان گفت که برای خشنودی خدا و با پرهیز از ریا باید انفاق نمود. از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌ایم و آنچه دوست داریم، انفاق کنیم. در انفاق از منت و آزار اجتناب نماییم. در انفاق کردن باید حد وسط و اعتدال را رعایت نمود. اگر توانایی انفاق نداریم در برابر اصرار و تندی نیازمندان گفتاری پسندیده داشته باشیم. انفاق آثار فراوان مادی و معنوی را به همراه دارد. هر آنچه را که انفاق می‌کنیم قطعاً خداوند آن را می‌داند و پاداش آن به‌طور کامل به ما داده خواهد شد و حتی خدا آن را برای ما چند برابر می‌افزاید. کسانی که انفاق می‌کنند نه بیمی دارند و نه اندوهگین می‌شوند. انفاق، خشنودی خدا و آمرزش گناهان و ورود به بهشت را در پی دارد.

واژه‌های کلیدی: انفاق، صدقه، بخشش، اسلام، قرآن کریم.

طبقه‌بندی JEL: A10, A13, Z12

مقدمه

در تمام جوامع انسانی وقوع حوادث طبیعی چون سیل، زلزله، آتش سوزی و بروز مشکلات غیرارادی چون بیماری‌ها، تصادفات، و پدیده‌هایی از این قبیل باعث می‌شود گروهی از افراد نتوانند نیازهای زندگی خود و خانواده‌شان را تأمین کنند. از جمله راه‌هایی که دین اسلام، همانند سایر ادیان الهی، برای حل این مشکل توصیه کرده انفاق است. مسلمانان به مقتضای فطرت الهی و تعالیم قرآنی وظیفه دارند در مواقع خطر و بروز حوادث به یاری هم‌نوعان خویش شتافته، آنان را در برخورد با مشکلات تنها نگذارند. (موسویان، ۱۳۸۰) گونه‌گونی روزی‌ها محلّ ابتلا است و هر دو گروه توانگر و نیازمند، به واسطه آن سنجیده می‌شوند، اما آزمون هریک از گروه‌های یادشده متفاوت از یکدیگر و به فراخور احوالشان خواهد بود؛ بدین معنا که توانگران از بستر بخشش و دهش به نیازمندان و دستگیری از آنان آزمایش می‌شوند و محلّ ابتلای مستمندان، صبر و بردباری ناسپاسی به درگاه الهی تلقی می‌شود. (مهدوی‌راد و عبداللهی پور، ۱۳۹۱) تکاثر و افزون‌خواهی و برتری جستن از دیگران، یکی از بزرگترین عوامل سقوط و غفلت آدمی از یاد خدا و بی‌توجهی به دین و دیانت و سرپیچی از انجام اوامر و پرهیز از نواهی الهی می‌باشد. (رضوی، ۱۳۹۱) صدقه دادن وسیله مهمی برای کسب روزی و زمینه‌ساز رسیدن به آن است. زیرا بخشش و انفاقی که در راه خدا باشد هرگز گم نمی‌شود بلکه خداوند جایگزین‌کننده و پرکننده آن است و یا در دنیا به واسطه افزایش نعمت‌ها و یا در آخرت به ثوابی که به‌واسطه آن ذخیره کرده عوض می‌دهد. (پورطولمی، ۱۳۳۳) یکی از عواملی که اسلام و قرآن مؤکداً عمل به آن را برای زنده ماندن امت اسلامی، جوان نمودن و پیشرفت و ارتقاء دادن آن لازم و ضروری می‌دانند، انفاق است. دین اسلام اهمیت زیادی نیز برای آن قائل شده است و بدین منظور آیات و روایات بسیاری در فضیلت و ترغیب به این عمل وارد گردیده است. در قرآن مجید راجع به انفاق تأکیدات فراوان شده و برای منفقین پاداش‌هایی بزرگ و ماندگار تعیین گردیده است. انفاق به‌عنوان عمل صالحی است که اگر مطابق دستور قرآن کریم انجام پذیرد، جامعه اسلامی را همیشه به‌عنوان سیمایی مطلوب برای امت خود قلمداد نموده و باعث درونی شدن هرچه بهتر فرهنگ و ارزش‌های اقتصادی اسلام در نهاد افراد می‌گردد. همچنین اصل انفاق به‌عنوان یک ارزش دینی است که اجتماع مورد نظر قرآن یعنی جامعه گرایش و ایمان آگاهانه و مسئولانه، جامعه اخلاص و عقیده به حقایق جهان هستی و جامعه قانون‌مدار و بشر دوستانه آن را نردبانی برای تقرّب به سرچشمه جمال و کمال و زیباترین جلوه‌های عشق یعنی خداوند متعال (جل و علا) می‌داند. (سلطانی، ۱۳۸۲) انفاق از جمله متغیرهای اقتصادی است که با اهداف گوناگون از سوی خداوند سبحان تشریح شده است. از دیدگاه نظریه اقتصاد اسلامی هدف پرداخت‌کننده انفاق به‌دست آوردن رضایت الهی است. شاید بتوان گفت مهم‌ترین دلیل وضع انفاق ساخته شدن

انسان‌های پرداخت‌کننده و نیز تأمین زندگی نیازمندان و افراد ناتوان است. پرداخت انفاق موجب کاهش دلبستگی و وابستگی به مال می‌شود و انسان را به سوی تکامل و کمال راهنمایی می‌کند. همچنین، انفاق باعث افزایش ثروت و توان خرید نیازمندان می‌شود. در نتیجه آن از یک سو رفاه افزایش می‌یابد و از سوی دیگر تقاضا بالاتر می‌رود و تولید رونق می‌یابد و در پی آن باعث ایجاد درآمد برای صاحبان تولید می‌شود. (عزتی و نورمحمدلو، ۱۳۹۱) انفاق در اسلام امری بزرگ، تربیتی و جهت‌گیری الهی و ریشه‌دار است و به‌همین جهت اسلام مردم را به بخشندگی برمی‌انگیزد. قرآن و احادیث، مردم را به سوی انفاق تشویق کرده و چنان خواسته‌اند که آدمی، بخشندگی و انفاق را جز و اخلاق نیکو و رفتار نشاط‌انگیز خود قرار دهد. این موضوع می‌رساند که اسلام مردم را بر آن وامی‌دارد که اموال و امکانات را از مالکیت‌های انحصاری درآورند و آنها را محبوس نسازند و در راه مصالح جامعه به مصرف برسانند. (سبحانی و مهربانی، ۱۳۸۶) با توجه به اهمیت انفاق از دیدگاه اسلام در این مقاله برآنیم تا انفاق را از ابعاد مختلفی که در قرآن کریم مورد توجه قرار گرفته، بررسی نماییم.

سوال‌های تحقیق

در این پژوهش درصدد هستیم تا به سوال‌های زیر پاسخ دهیم:

معنا و مفهوم انفاق چیست؟

گستره و وسعت انفاق چه مواردی را شامل می‌شود؟

انفاق در قرآن کریم دارای چه جایگاه و اهمیتی می‌باشد؟

شرایط و آداب انفاق از نظر قرآن کریم چگونه است؟

آثار و پیامدهای انفاق از منظر قرآن کریم چیست؟

مفهوم و معنای انفاق

انفاق در فرهنگ لغت به معنای نفقه دادن، خرج کردن، دادن یا بخشیدن مال به کسی است. همچنین برای انفاق معانی متعددی ذکر شده است. از جمله: ۱- پر کردن شکاف ۲- مصرف کردن انباشته ۳- از بین بردن فقر و نیازمندی. گاهی برای شخصی، یا جامعه‌ای حوادثی اتفاق می‌افتد، این پیشامدها مخصوص زمان و یا جامعه خاصی نیست. ناگهان زلزله‌ای رخ می‌دهد یا جنگی به وقوع می‌پیوندد، سیلی به‌راه افتاده، یا دزدی از راه می‌رسد، که بر اثر آن دست‌رنج سال‌ها تلاش و کوشش بر باد می‌رود و کمبودها و نابسامانی‌هایی را موجب می‌گردد. قلبی شکسته، دستانی تهی، دلی داغ‌دیده، مصدومی درمانده، یتیمی بی‌پناه یا مریضی گرفتار بر جای می‌ماند و یا اینکه فردی یا

خانواده‌ای بر اثر بیکاری، ورشکستگی، بیماری و عدم درآمد کافی دچار فقر می‌شود و به بدبختی و سیه‌روزی می‌افتد. اکنون چه باید کرد؟ قطعاً عقل و شرع و وجدان، بی‌تفاوتی نسبت به این‌گونه افراد و رها کردن آنها را به حال خود نمی‌پسندد، پس باید جبران کرد. اما چگونه؟ طرح موفق اسلام در این زمینه انفاق است. (مردانی نوکنده، ۱۳۸۲) انفاق از «نفاق» مشتق شده و به معنی شکاف است. مفهوم آن نیز پرکردن شکاف است. انفاق یعنی از بین بردن حفره‌هایی که جامعه را دچار اضمحلال عمیقی می‌کند، زیرا با توجه به روح کلی آن باید گفت که مفهومی را بدون شناخت مضمون نفاق نمی‌توان درک کرد و انسان منافق را بدون ارزیابی انسان منافق نمی‌توان شناخت. انفاق هموار کردن راه‌های نفاق است، یعنی گودال‌هایی که در فضای جامعه توسط منافقین به وجود می‌آید را باید با انفاق پر کرد و تمامی طرق انحرافی را به وسیله آن زدود و نابود کرد. انفاق در یک کلام پرکردن دره‌های نفاق و فریب است برای رهایی انسان از سقوط در آنها و نجات او از نابودی. (سلطانی، ۱۳۸۲) انفاق مصدر باب افعال از ریشه نفاق است به معنای پرداختن بخشی از آنچه خدا به انسان روزی کرده است در راه خدا، چه به‌عنوان زکات که واجب است و چه به‌عنوان صدقه که مستحب است. زیرا در قرآن کریم «انفاق» به معنای زکات نیز به کار رفته است. در قاموس قرآن هم این‌طور آمده که انفاق یعنی خرج مال در راه خدا اعم از واجب و مستحب و از چیزهایی است که قرآن و روایات درباره آن بسیار تشویق کرده‌اند و آن یکی از اسباب تعدیل ثروت و پر کردن شکاف جامعه‌هاست. به لحاظ اینکه انفاق، خرج کردن و هزینه کردن است، پس به‌نظر می‌رسد با انفاق، مردم باایمان باید گودال‌های فقر را پر کنند و منافذ خطرهای اقتصادی را از میان بردارند تا جامعه اسلامی گرفتار تکاثر، کثرت‌طلبی و مال‌اندوزی نشود و بحران اقتصادی پدید نیاید. (سیحانی و مهربانی، ۱۳۸۶) انفاق از ریشه نفاق به معنای خروج یا تمام شدن است. علت نام‌گذاری بخشش مال به انفاق نیز این است که شخص، مال را از دستش خارج یا فانی می‌نماید. همچنین گفته شده است که نفاق بر انقطاع چیزی و رفتن آن و همین‌طور پوشاندن و مخفی کردن چیزی و چشم‌پوشی از آن دلالت می‌کند. انفاق می‌تواند در مال یا غیر آن باشد؛ همین‌طور می‌تواند واجب باشد یا مستحبی. انفاق واجب، شامل انواع زکات و خمس است و از انفاق مستحبی در عرف با نام صدقه یاد می‌شود. البته تقسیم دیگری نیز از انفاق عرضه شده که آن را در پنج دسته قرار داده است ۱- انفاق واجب مانند زکات، خمس، کفارات، فدیة و نفقه زندگی که بر عهده مرد است؛ ۲- انفاق مستحب مانند کمک به مستمندان، یتیمان و هدیه به دوستان؛ ۳- انفاق حرام مانند انفاق با مال غصبی یا در راه گناه؛ ۴- انفاق مکروه مانند انفاق به دیگران با وجود مستحق در خویشاوندان؛ و ۵- انفاق مباح مانند انفاق به دیگران برای توسعه زندگی. (مسعودی‌پور و خیری، ۱۳۹۳)

وسعت انفاق و موارد شمول آن

انفاق و گذشت، با هدف سازندگی و همبستگی و یگانگی، و با انگیزه شناخت و عشق و وظیفه، به وسعت‌ها و گسترده‌گی‌هایی می‌رسد، چه در شکل، و چه در مصرف‌ها و موردها و چه در آنچه انفاق می‌کند. وسعت در شکل از صورت سؤال و طلب تا حد شبانه به آنها رساندن و پنهانی آنها را تأمین کردن، و تا حد بدون اجازه برداشتن و بدون اطلاع برادر، از دارایی او استفاده کردن. کسانی که برای خدا عطا می‌کنند، خدا را بالاتر از دست‌ها می‌دانند، این بخشش را داده او می‌دانند که دوباره به خدا قرض داده می‌شود و با سودهای بی‌حساب برای او ذخیره می‌گردد. وسعت در موارد مصرف، از دوست‌ها و خویشان گرفته تا کسانی که حتی به ما بدی کرده‌اند و ما را آزرده‌اند. وسعت در مواد انفاق، از درهم و قلم و قدم گرفته تا وقت‌ها و اعتبارها و آبروها و شفاعت‌ها و... ما خیال می‌کنیم همین که چیزی نداشتیم، تکلیفی نداریم؛ درحالی که انفاق نه به ثروت، که به توانایی ما بستگی دارد: از تو سؤال می‌کنند، چه چیز انفاق کنند؟ بگو: «هر خیر و نیکی (و سرمایه سودمند مادی و معنوی) که انفاق می‌کنید، باید برای پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مستمندان و درماندگان در راه باشد» و هر کار خیری که انجام دهید، خداوند از آن آگاه است. (لازم نیست تظاهر کنید، او می‌داند). این آیه هر نوع کار، مال، خدمات و سرمایه مفید و حتی امور معنوی همچون علم را نیز دربرمی‌گیرد؛ هرچند مصداق مهم آن در مورد انفاق، اموال است. (افسای، ۱۳۸۷) انفاق یک مفهوم استاندارد و قالبی نیست که در همه شرایط با پرداخت چند ریال و یا چند تومان تحقق یابد زیرا انفاق در مواضع مختلف شرایط و مفاهیم گوناگون دارد. قرآن کریم مواضع انفاق را به چهار دسته کلی تقسیم نموده است. ۱- مال، ۲- عفو، ۳- خیر، ۴- میراث. پس گاهی نشر علم انفاق است، زمانی تقدیم جان. گاهی خیر نفاق است و زمانی عفو. موقعی نجات یک دردمند و گرسنه انفاق است و گاهی هم تسلیت بخشیدن به یک روح گرفتار. برای صحت انفاق و رعایت مواضع آن باید کیفیت نفاق را شناخت و موقعیت‌های گونه‌گونه‌اش را به خوبی دریافت تا بتوانیم گودال‌های اجتماعی و چاه‌های حفر شده بر سر راه انسانی را پر کنیم، اینجاست که به خوبی فلسفه گوناگونی سیمای انفاق پیشوایان راستین اسلام مشخص می‌گردد و آن چیزی جز شناخت مواضع این عمل الهی نیست. (سلطانی، ۱۳۸۲) در قرآن موردهای متعددی از زمینه‌هایی که می‌توان آنها را در راه خدا انفاق کرد، ذکر شده است. از آن جمله است: انفاق از آنچه خدا روزی انسان‌ها کرده است (بقره، ۲۵۴)، از چیزهای پاک که به دست می‌آوریم (همان، ۲۶۷)، از آنچه که خدا برای انسان‌ها از زمین خارج کرده است (همان)، از آنچه خداوند انسان‌ها را در آن جانشین قرار داده است (حدید، ۷)، از آنچه که انسان‌ها دوست دارند (آل عمران، ۹۲)، و از عفو (بقره، ۲۱۹). (سبحانی و مهربانی، ۱۳۸۶)

پیشینه تحقیق

سلطانی (۱۳۸۲) به انجام پژوهشی باعنوان سیمای انفاق در قرآن پرداخته است و در آن واژه انفاق، مواضع انفاق، کاربرد انفاق، موانع انفاق، مقدار و نوع انفاق و آثار انفاق را مورد بررسی و تحلیل قرار داده است.

مردانی نوکنده (۱۳۸۲) در پژوهشی احسان و انفاق از منظر آیات و روایات را مورد بررسی قرار داده است و در فضیلت و میمنت احسان و انفاق، آیات و اخبار بسیاری را شاهد آورده و سخن خود را بدان‌ها مستند کرده است.

سیحانی تبریزی پژوهش‌های مختلفی را در مورد انفاق به انجام رسانده است. در پژوهشی (۱۳۸۱) انفاق‌های کافران در دنیا را مورد بحث و بررسی قرار داده است. در پژوهشی دیگر (۱۳۸۲) طرز تفکر مؤمن و کافر و مسأله انفاق را موضوع پژوهش قرار گرفته است. در پژوهش‌های دیگری (۱۳۸۰) موضوع «مثل‌های زیبای قرآن (۱۳)/ انفاق، و هفتصد برابر پاداش»، «مثل‌های زیبای قرآن (۱۴)/ عمل ریاکاران بی‌ایمان»، «مثل‌های زیبای قرآن (۱۵)/ انفاق خالصانه در راه خدا» و «مثل‌های زیبای قرآن (۱۶)/ انفاق در راه خدا، به دور از منت بر مستمندان» بوده است.

افسای (۱۳۸۶) در پژوهش خود باعنوان «انفاق از منظر قرآن و عترت» راجع به ارزش انفاق، فواید انفاق، انگیزه‌های انفاق، مقدار و نوع انفاق و چگونگی انفاق بحث نموده است.

افسای (۱۳۸۷) پژوهشی باعنوان «انفاق در رهنمود قرآن» را به انجام رسانده است و در آن درباره نکاتی که در انفاق کردن باید رعایت شود، آداب انفاق کننده، مصرف انفاق، موانع انفاق و وسعت انفاق سخن رانده است.

سیحانی و مهربانی (۱۳۸۶) پژوهشی باعنوان «بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران» را انجام داده‌اند. در این پژوهش سعی شده تا بر عامل انفاق که از مجموعه متغیرهای مؤثر بر نابرابری درآمدهاست تمرکز کرده و مورد تحلیل قرار گیرد. نتیجه‌های حاصل براساس داده‌های دوره ۸۵-۱۳۶۳ در ایران نشان می‌دهند که انفاق عامل کاهش نابرابری درآمدها بوده و این اثر معنادار اما در عین حال کوچک است.

عزتی و نورمحمدلو (۱۳۹۱) برآورد اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق را موضوع پژوهش خود قرار داده‌اند. این پژوهش در پی برآورد اثر بهبودها و نابسامانی‌های بازارها بر انفاق بوده است. نتایج نشان می‌دهد انفاق تابع مثبت درآمدسرانه استانی و هزینه‌های استانی دولت و تابعی کاهشنده از تعداد نهادهای مذهبی جایگزین و تابعی کاهشنده از تورم و بیکاری به‌عنوان عامل نابسامانی اقتصادی می‌باشد.

موسایی (۱۳۸۷) جایگاه انفاق و خاستگاه اجتماعی-اقتصادی آن را مورد بررسی قرار داده است. نتایج نشان می‌دهد که درصد قابل توجهی از جامعه مورد مطالعه، انفاق‌های واجب و مستحب را پرداخت می‌کنند و انفاق‌های واجب و مستحب با درآمد و تحصیلات (متغیرهای تعیین کننده پایگاه اجتماعی) رابطه معنادار دارند.

صادقی و همکاران (۱۳۹۲) در پژوهشی درصدد بوده‌اند، تا به بررسی عوامل مؤثر بر انفاق و رفتار تابع انفاق با توجه به آموزه‌های اسلامی بپردازند و تابع انفاق در ایران را به صورت تجربی تخمین بزنند. نتایج نشان می‌دهد که تابع انفاق به صورت تابعی نمایی می‌باشد و تابعی فرآینده از درآمدسرانه استانی، ثروت و سرمایه مذهبی می‌باشد.

مسعودی پور و خیری (۱۳۹۳) پژوهشی با عنوان «جاذبه‌های تبلیغاتی مطلوب در بازاریابی اجتماعی انفاق براساس آموزه‌های قرآنی» را به انجام رسانده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که سه نوع جاذبه منطقی، احساسی و ترس که در متون متعارف نیز به آنها پرداخته شده است در موضوع انفاق در آیات قرآن دیده می‌شود. همچنین از آیات قرآن کریم، جاذبه چهارمی با عنوان جاذبه اطمینان بخش نیز به دست آمد که در بازاریابی اجتماعی انفاق می‌تواند اثربخش باشد.

آیات مربوط به اهمیت و جایگاه انفاق و تأکید آن در قرآن کریم

در قرآن کریم به انفاق توجه شده و به شکل‌های مختلف مورد تأکید واقع شده است. در بعضی آیات انفاق پس از ایمان آوردن و برپاداشتن نماز آورده شده است. سفارش شده که در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت می‌فکنید. بیان شده است از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی. در بعضی آیات تأکید شده است که در اموال برای سائل و محروم حقی معین شود. توجه داده شده است که کسانی که ایمان آورده و انفاق کرده باشند پاداش بزرگی خواهند داشت. سفارش شده که از آنچه روزی شما گردانیده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید پروردگارا چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تأخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم. در جای دیگری اشاره شده است که کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند آنان رستگاراند. برای آشنایی بیشتر اهمیت و جایگاه انفاق و تأکیدات قرآن کریم در این باره آیات زیر بیان می‌شود:

الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (بقره، ۳) آنان که به غیب ایمان می‌آورند و نماز را بر پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَآتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي

الرِّقَابِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَالْمُؤْتُونَ بِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ أُولَئِكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ (بقره، ۱۷۷) نیکوکاری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بندگان به عهد خود وفاداراند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیباییانند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگارانند.

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَأَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (بقره، ۱۹۵) و در راه خدا انفاق کنید و خود را با دست خود به هلاکت میفکنید و نیکی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَّةَ وَلَا شَفَاعَةً وَالْكَافِرُونَ هُمُ الظَّالِمُونَ (بقره، ۲۵۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آنچه به شما روزی داده‌ایم انفاق کنید پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی و کافران خود ستمکارانند.

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالسُّحُورِ (آل عمران، ۱۷) [اینانند] شکیبایان و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق‌کنندگان و آمرزش‌خواهان در سحرگاهان. الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكَاطِمِينَ الْغَيْظَ وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ (آل عمران، ۱۳۴) همانان که در فراخی و تنگی انفاق می‌کنند و خشم خود را فرو می‌برند و از مردم در می‌گذرند و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (انفال، ۳) همانان که نماز را به پا می‌دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم انفاق می‌کنند.

قُلْ لِعِبَادِيَ الَّذِينَ آمَنُوا يُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُنْفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا بَيْعَ فِيهِ وَلَا خِلَالٌ (ابراهیم، ۳۱) به آن بندگانم که ایمان آورده‌اند بگو نماز را برپا دارند و از آنچه به ایشان روزی داده‌ایم پنهان و آشکارا انفاق کنند پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی باشد و نه دوستی.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ (نحل، ۹۰) در حقیقت خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد و از کار زشت و ناپسند و ستم باز می‌دارد به شما اندرز می‌دهد باشد که پند گیرید.

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَى مَا أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (حج، ۳۵) همانان که چون [نام] خدا یاد شود دل‌هایشان خشیت یابد و [آنان که] بر هر چه بر سرشان آید صبر پیشه‌گنند و برپا دارندگان نمازند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می‌کنند. وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ (مومنون، ۶۰) و کسانی که آنچه را دادند [در راه خدا] می‌دهند در حالی که دل‌هایشان ترسان است [و می‌دانند] که به سوی پروردگارش باز خواهند گشت.

وَلَا يَأْتَلِ أُولُو الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولَىٰ الْقُرْبَىٰ وَالْمَسَاكِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ (نور، ۲۲) و سرمایه‌داران و فراخ‌دولتان شما نباید از دادن [مال] به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند و باید عفو کنند و گذشت نمایند مگر دوست ندارید که خدا بر شما ببخشد و خدا آمرزنده مهربان است.

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (سجده، ۱۶) پهلوهایشان از خوابگاه‌ها جدا می‌گردد [و] پروردگارش را از روی بیم و طمع می‌خوانند و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می‌کنند.

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (شوری، ۳۸) و کسانی که [ندای] پروردگارش را پاسخ [مثبت] داده و نماز برپا کرده‌اند و کارشان در میانشان مشورت است و از آنچه روزیشان داده ایم انفاق می‌کنند.

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (ذاریات، ۱۹) و در اموالشان برای سائل و محروم حقی [معین] بود.

أَمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَحْلِفِينَ فِيهِ فَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ (حدید، ۷) به خدا و پیامبر او ایمان آورید و از آنچه شما را در [استفاده از] آن جانشین [دیگران] کرده انفاق کنید پس کسانی از شما که ایمان آورده و انفاق کرده باشند پاداش بزرگی خواهند داشت.

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَنْ أَنْفَقَ مِنْ قَبْلِ الْفَتْحِ وَقَاتَلْ أُولَئِكَ أَعْظَمُ دَرَجَةً مِنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِنْ بَعْدُ وَقَاتَلُوا وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ (حدید، ۱۰) و شما را چه شده که در راه خدا انفاق نمی‌کنید و [حال آنکه] میراث آسمان‌ها و زمین به خدا تعلق دارد کسانی از شما که پیش از فتح [مکه] انفاق و جهاد کرده‌اند [با دیگران] یکسان نیستند آنان از [حیث] درجه بزرگتر از کسانی‌اند که بعداً به انفاق و جهاد پرداخته‌اند و خداوند به هر کدام وعده نیکو داده است و خدا به آنچه می‌کنید آگاه است.

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِمَّا أُوتُوا وَيُؤْتُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (حشر، ۹) و [نیز] کسانی که قبل از [مهاجران] در [مدینه] جای گرفته و ایمان آورده‌اند هر کس را که به سوی آنان کوچ کرده دوست دارند و نسبت به آنچه به ایشان داده شده است در دل‌هایشان حسدی نمی‌یابند و هر چند در خودشان احتیاجی [مبرم] باشد آنها را بر خودشان مقدم می‌دارند و هر کس از خست نفس خود مصون ماند ایشانند که رستگارانند.

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَقْتُ وَأَكُنُّ مِنَ الصَّالِحِينَ (منافقون، ۱۰) و از آنچه روزی شما گردانیده ایم انفاق کنید پیش از آنکه یکی از شما را مرگ فرا رسد و بگوید پروردگارا چرا تا مدتی بیشتر [اجل] مرا به تاخیر نینداختی تا صدقه دهم و از نیکوکاران باشم.

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِنْ سَعَتِهِ وَمَنْ قَدِرْ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا (طلاق، ۷) بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند خدا هیچ کس را جز [به قدر] آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می‌کند.

وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ (معارج، ۲۴) لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (معارج، ۲۵) و همانان که در

اموالشان حقی معلوم است. برای سائل و محروم.

إِنْ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ وَثُلُثَهُ وَطَائِفَةٌ مِنَ الَّذِينَ مَعَكَ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ عَلِمَ أَنْ لَنْ تُحْصِيَهُ فَبَاتَ عَلَيْكُمْ فَاذْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ عَلِمَ أَنْ سَيَكُونُ مِنْكُمْ مَرْضَىٰ وَآخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَآخَرُونَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَاذْرُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (مزمل، ۲۰) در حقیقت پروردگارت می‌داند که تو و گروهی از کسانی که با تو می‌تواند نزدیک به دو سوم از شب یا نصف آن یا یک سوم آن را [به نماز] برمی‌خیزد و خداست که شب و روز را اندازه‌گیری می‌کند [او] می‌داند که [شما] هرگز حساب آن را ندارید پس بر شما ببخشد [اینک] هر چه از قرآن میسر می‌شود بخوانید [خدا] می‌داند که به زودی در میانتان بیماری خواهد بود و [عده‌ای] دیگر در زمین سفر می‌کنند [او] در پی روزی خدا هستند و [گروهی] دیگر در راه خدا پیکار می‌نمایند پس هر چه از [قرآن] میسر شد تلاوت کنید و نماز را برپا دارید و زکات را بپردازید و وام نیکو به خدا دهید و هر کار خوبی برای خویش از پیش فرستید آن را نزد خدا بهتر و با پاداشی بیشتر باز خواهید یافت و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده مهربان است.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (آل عمران، ۹۲) هرگز به نیکوکاری نخواهید رسید تا از آنچه دوست دارید انفاق کنید و از هر چه انفاق کنید قطعاً خدا بدان داناست.

آیات مربوط به شرایط و آداب انفاق از نظر قرآن کریم

در مورد شرایط و آداب انفاق در قرآن کریم آیات متعددی وجود دارد و نکات متفاوتی بیان گردیده است. از جمله اینکه: نباید صدقه‌های خود را با مت و آزار، باطل کنیم. انفاق مال نباید برای خودنمایی به مردم باشد. از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست می‌آوریم باید انفاق کنیم. برای طلب خشنودی و رضای خدا انفاق نماییم. اگر فاسق باشیم، چه به رغبت چه با بی میلی انفاق کنیم هرگز پذیرفته نخواهد شد. انفاق در راه خدا را به دیده خسارتی [برای خود] در نظر نگیریم بلکه باید به عنوان مایه تقرب به خداوند در نظر آید. در انفاق نه ولخرجی کنیم و نه تنگ بگیریم بلکه حد وسط را برگزینیم. گفتاری پسندیده (در برابر نیازمندان) و گذشت (از اصرار و تندى آنان) بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد. در این باره آیات ذیل قابل ذکر است:

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلَّوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَى وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ (بقره، ۲۱۵) از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند او به چه کسی بدهند [بگو هر مالی انفاق کنید به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه‌مانده تعلق دارد و هرگونه نیکی کنید البته خدا به آن داناست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُبْطِلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تَرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (بقره، ۲۶۴) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با مت و آزار، باطل نکنید، مانند کسی که مالش را برای خودنمایی به مردم، انفاق می‌کند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارد. پس مثل او همچون مثل سنگ خارا می‌باشد که بر روی آن، خاکی (نشسته) است، و رگباری به آن رسیده و آن (سنگ) را سخت و صاف بر جای نهاده است. آنان (=ریاکاران) نیز از آنچه به دست آورده‌اند، بهره‌ای نمی‌برند؛ و خداوند، گروه کافران را هدایت نمی‌کند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفِقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ (بقره، ۲۶۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌اید، و از آنچه برای شما از زمین برآورده‌ایم، انفاق کنید، و در پی ناپاک آن نروید که (از آن) انفاق نمایید، درحالی که آن را (اگر به خودتان

می‌دادند) جز با چشم‌پوشی (و بی‌میلی) نسبت به آن، نمی‌گرفتید، و بدانید که خداوند، بی‌نیاز ستوده (صفات) است.

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ (بقره، ۲۷۲) هدایت آنان بر عهده تو نیست، بلکه خدا هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و هر مالی که انفاق کنید، به سود خود شماست، و (لی) جز برای طلب خشنودی خدا انفاق مکنید، و هر مالی را که انفاق کنید (پاداش آن) به‌طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت.

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا (نساء، ۳۸) و کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند و به خدا و روز بازپسین ایمان ندارند و هر کس شیطان یار او باشد چه بد همدمی است.

قُلْ أَنْفَقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَنْ يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنْ كُمْ كُنْتُمْ قَوْمًا فَاسِقِينَ (توبه، ۵۳) بگو چه به رغبت چه با بی‌میلی انفاق کنید هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد چرا که شما گروهی فاسق بوده‌اید. وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُ بِكُمْ الدَّوَائِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (توبه، ۹۸) و برخی از آن بادیه‌نشینان کسانی هستند که آنچه را [در راه خدا] هزینه می‌کنند خسارتی [برای خود] می‌دانند و برای شما پیشامدهای بد انتظار می‌برند پیشامد بد برای آنان خواهد بود و خدا شنوای داناست.

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ قُرْبَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَهُمْ سِئِدُ خَلْفَهُمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (توبه، ۹۹) و برخی [دیگر] از بادیه‌نشینان کسانی‌اند که به خدا و روز بازپسین ایمان دارند و آنچه را انفاق می‌کنند مایه تقرب نزد خدا و دعا‌های پیامبر می‌دانند بدانند که این [انفاق] مایه تقرب آنان است به زودی خدا ایشان را در جوار رحمت خویش درآورد که خدا آمرزنده مهربان است.

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا (فرقان، ۶۷) و کسانی‌اند که چون انفاق کنند نه ولخرجی می‌کنند و نه تنگ می‌گیرند و میان این دو [روش] حد وسط را برمی‌گزینند.

وَيُطْعِمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا (انسان، ۸) إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا (انسان، ۹) و به [پاس] دوستی [خدا] بینوا و یتیم و اسیر را خوراک می‌دادند. ما برای خشنودی خداست که به شما می‌خورانیم و پاداش و سپاسی از شما نمی‌خواهیم.

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ عَنِّي حَلِيمٌ (بقره، ۲۶۳) گفتاری پسندیده (در برابر نیازمندان) و گذشت (از اصرار و تندی آنان) بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد، و خداوند بی نیاز بردبار است.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنَافِعُ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِمَّنْ نَّفَعِيهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ (بقره، ۲۱۹) درباره شراب و قمار از تو می‌پرسند بگو در آن دو گناهی بزرگ و سودهایی برای مردم است و الهی! گناهشان از سودشان بزرگتر است و از تو می‌پرسند چه چیزی انفاق کنند بگو مازاد ابر نیازمندی خود را این‌گونه خداوند آیات [خود را] برای شما روشن می‌گرداند باشد که بیندیشید.

آیات مربوط به آثار انفاق از منظر قرآن کریم

انفاق در راه خدا آثار و پیامدهای متفاوتی را برجای می‌گذارد که در آیات قرآن بیان شده است. قرآن کریم درباره نتیجه عمل کسانی که در راه خدا انفاق می‌نمایند، می‌فرماید: [خدا] آن را برای او چند برابر می‌افزاید؛ پاداش آن به‌طور کامل به شما داده خواهد شد و ستمی بر شما نخواهد رفت؛ نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگینی می‌شوند؛ گناهانتان را از شما می‌زدایم و شما را به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است درمی‌آورم؛ ایشان راست فرجام خوش سرای باقی؛ خدا بر شما ببخشد؛ دو بار پاداش خواهند یافت؛ اینان همان رستگارانند؛ دل به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد؛ پاداش بزرگی خواهند داشت؛ [نتیجه‌اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد؛ ایشان را [پاداش] دو چندان گردد و اجری نیکو خواهند داشت؛ خدا به زودی پس از دشواری آسانی فراهم می‌کند؛ هرچه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد. آیات زیر آثار انفاق را بیان می‌نمایند:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ (بقره، ۲۴۵) کیست آن کس که به [بندگان] خدا وام نیکویی دهد تا [خدا] آن را برای او چند برابر بیفزاید و خداست که [در معیشت بندگان] تنگی و گشایش پدید می‌آورد و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ نَفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِنْ نَذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ (بقره، ۲۷۰) و هر نفقه‌ای را که انفاق، یا هر نذری را که عهد کرده‌اید، قطعاً خداوند آن را می‌داند، و برای ستمکاران هیچ یآوری نیست.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ (بقره، ۲۷۴) کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان برای آنان خواهد بود؛ و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهگین می‌شوند.

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ لَئِنْ أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَآتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَآمَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ فَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ (مائده، ۱۲) در حقیقت خدا از فرزندان اسرائیل پیمان گرفت و از آنان دوازده سرکرده برانگیختیم و خدا فرمود من با شما هستم اگر نماز برپا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان ایمان بیاورید و یاریشان کنید و وام نیکویی به خدا بدهید قطعاً گناهانتان را از شما می‌زدایم و شما را به باغ‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در می‌آورم پس هر کس از شما بعد از این کفر ورزد در حقیقت از راه راست گمراه شده است.

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ (رعد، ۲۲) و کسانی که برای طلب خشنودی پروردگارشان شکیبایی کردند و نماز برپا داشتند و از آنچه روزیشان دادیم نهان و آشکارا انفاق کردند و بدی را با نیکی می‌زدایند ایشان راست فرجام خوش سرای باقی.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِمَّا رَزَقْنَا حَسَنًا فَهُوَ يَنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ (نحل، ۷۵) خدا مثلی می‌زند بنده‌ای است زر خرید که هیچ کاری از او بر نمی‌آید آیا [او] با کسی که به وی از جانب خود روزی نیکو داده ایم و او از آن در نهان و آشکارا انفاق می‌کند یکسانست سپاس خدای راست [نه] بلکه بیشترشان نمی‌دانند.

أُولَئِكَ يُؤْتُونَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (قصص، ۵۴) آنانند که به [پاس] آنکه صبر کردند و [برای آنکه] بدی را با نیکی دفع می‌نمایند و از آنچه روزی‌شان داده‌ایم انفاق می‌کنند دو بار پاداش خواهند یافت.

فَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (روم، ۳۸) پس حق خویشاوند و تنگدست و در راه‌مانده را بده این [انفاق] برای کسانی که خواهان خشنودی خدایند بهتر است و اینان همان رستگارانند.

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَانِتِينَ وَالْقَانِتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّائِمِينَ وَالصَّائِمَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

(احزاب، ۳۵) مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان عبادت‌پیشه و مردان و زنان راستگو و مردان و زنان شکیب‌ها و مردان و زنان فروتن و مردان و زنان صدقه‌دهنده و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان پاکدامن و مردان و زنانی که خدا را فراوان یاد می‌کنند خدا برای [همه] آنان آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْجُونَ تِجَارَةً لَنْ تَبُورَ (فاطر، ۲۹) در حقیقت کسانی که کتاب خدا را می‌خوانند و نماز برپا می‌دارند و از آنچه بدیشان روزی داده‌ایم پنهان و آشکارا انفاق می‌کنند امید به تجارتی بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ وَلَهُ أَجْرٌ كَرِيمٌ (حدید، ۱۱) کیست آن کس که به خدا وامی نیکو دهد تا [نتیجه‌اش را] برای وی دوچندان گرداند و او را پاداشی خوش باشد. إِنَّ الْمُضِدِّينَ وَالْمُضَدَّاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ (حدید، ۱۸) در حقیقت مردان و زنان صدقه‌دهنده و [آنان که] به خدا وامی نیکو داده‌اند ایشان را [پاداش] دو چندان گردد و اجری نیکو خواهند داشت.

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمِعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا لِنَفْسِكُمْ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ (تغابن، ۱۶) پس تا می‌توانید از خدا پروا بدارید و بشنوید و فرمان ببرید و مالی برای خودتان [در راه خدا] انفاق کنید و کسانی که از خست نفس خویش مصون مانند آنان رستگاراند. مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلٍ فِي كُلِّ سَنَابِلَةٍ مِائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضَاعِفُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ (بقره، ۲۶۱) مثل (صدقات) کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می‌کنند همانند دانه‌ای است که هفت خوشه برویاند که در هر خوشه‌ای صد دانه باشد؛ و خداوند برای هر کس که بخواهد (آن را) چند برابر می‌کند، و خداوند گشایش‌گر داناست.

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بِرَبْوَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ أُكُلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّتْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره، ۲۶۵) و مثل (صدقات) کسانی که اموال خویش را برای طلب خشنودی خدا و استواری روحشان انفاق می‌کنند، همچون مثل باغی است که بر فراز پشته‌ای قرار دارد (که اگر) رگباری بر آن برسد، دو چندان محصول برآورد، و اگر رگباری هم بر آن نرسد، باران ریزی (برای آن بس است)، و خداوند به آنچه انجام می‌دهید بیناست.

إِنْ تَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يَضَاعِفَهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ (تغابن، ۱۷) اگر خدا را وامی نیکو دهید آن را برای شما دو چندان می‌گرداند و بر شما می‌بخشاید و خدا [است که] سپاس‌پذیر بردبار است.

قُلْ إِنْ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ (سبأ، ۳۹) بگو در حقیقت پروردگار من است که روزی را برای هر کس از بندگانش که بخواهد گشاده یا برای او تنگ می‌گرداند و هر چه را انفاق کردید عوضش را او می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است.

تجزیه و تحلیل و یافته‌ها

با توجه مرور و بررسی آیات قرآن کریم در مورد جایگاه، آداب و آثار انفاق می‌توان به یافته‌های زیر در هر مقوله دست یافت:

اهمیت و جایگاه انفاق و تأکید آن در قرآن کریم

- نیکی آن است مال خود را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بینوایان و در راه‌ماندگان و گدایان و در راه آزاد کردن بندگان بدهیم
- انفاق در راه خدا مانع از این است که خود را با دست خود به هلاکت بیافکنیم.
- پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی، انفاق سفارش شده است.
- خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش به خویشاوندان فرمان می‌دهد.
- سرمایه‌داران و فراخ‌دولتان نباید از دادن مال به خویشاوندان و تهیدستان و مهاجران راه خدا دریغ ورزند.
- برای کسانی که خواهان خشنودی خداوند، انفاق و دادن حق خویشاوند و تنگدست و در راه‌مانده بهتر است.
- کسانی که ایمان آورده و انفاق کرده باشند پاداش بزرگی خواهند داشت.
- کسانی که در راه خدا انفاق می‌کنند و از خست نفس خویش مصون‌اند، رستگار‌اند.
- بر توانگر است که از دارایی خود هزینه کند و هر که روزی او تنگ باشد باید از آنچه خدا به او داده خرج کند خدا هیچ کس را جز به قدر آنچه به او داده است تکلیف نمی‌کند.
- نیکوکاران از آنچه دوست دارند انفاق می‌کنند.

شرایط و آداب انفاق از نظر قرآن کریم

- هر مالی را می‌توان انفاق کرد و می‌توان آنرا به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه‌مانده داد.

- صدقه‌های خود را نباید با منت و آزار، باطل نماییم.
- از چیزهای پاکیزه‌ای که به دست آورده‌ایم، انفاق کنیم، و در پی ناپاک آن نرویم که از آن انفاق نماییم.
- جز برای طلب خشنودی خدا نباید انفاق نمود.
- کسانی که اموالشان را برای نشان دادن به مردم انفاق می‌کنند، شیطان یار و همدم آنهاست.
- کسانی که آنچه را انفاق می‌کنند مایه تقرب نزد خدا می‌دانند، این انفاق مایه تقرب آنان است و خدا ایشان را در جوار رحمت خویش در می‌آورد.
- در انفاق کردن نباید ولخرجی کرد و نباید تنگ گرفت بلکه باید حد وسط را برگزید.
- نیکوکاری یعنی اینکه از آنچه دوست داریم انفاق کنیم.
- گفتاری پسندیده در برابر نیازمندان و گذشت از اصرار و تندی آنان بهتر از صدقه‌ای است که آزاری به دنبال آن باشد.

آثار انفاق از منظر قرآن کریم

- انفاق در راه خدا مانع از این است که خود را با دست خود به هلاکت بیافکنیم.
- کسی که به بندگان خدا وام نیکویی دهد، خدا آن را برای او چند برابر می‌افزاید.
- هر نفقه‌ای را که انفاق، یا هر نذری را که عهد می‌کنیم، قطعاً خداوند آن را می‌داند.
- هر مالی که انفاق کنیم، به سود خود ماست، ولی جز برای طلب خشنودی خدا انفاق نکنیم، و هر مالی را که انفاق کنیم پاداش آن به‌طور کامل به ما داده خواهد شد و ستمی بر ما نخواهد رفت.
- کسانی که اموال خود را شب و روز، و نهان و آشکارا، انفاق می‌کنند، پاداش آنان نزد پروردگارشان خواهد بود؛ و نه بیمی دارند و نه اندوهگین می‌شوند.
- وام نیکویی که به خدا بدهیم قطعاً خدا گناهانمان می‌زداید و ما را به باغ‌هایی که از زیر درختان آن نهرها روان است در می‌آورد.
- کسانی که از آنچه خدا روزیشان داده در نهان و آشکارا انفاق می‌کنند فرجام خوش سرای باقی برای آنهاست.
- انفاق و دادن حق خویشاوند و تنگدست و در راه مانده، خشنودی خدا را به دنبال دارد.
- خداوند برای مردان و زنان صدقه‌دهنده آمرزشی و پاداشی بزرگ فراهم ساخته است.
- کسانی از آنچه بدیشان روزی داده شده نهان و آشکارا انفاق می‌کنند امید به تجارتي بسته‌اند که هرگز زوال نمی‌پذیرد.
- کسانی که ایمان آورده و انفاق کرده می‌کنند پاداش بزرگی خواهند داشت.

- مردان و زنان صدقه‌دهنده و آنان که به خدا وامی نیکو داده‌اند پاداششان دو چندان می‌گردد و پاداش و اجری نیکو و خوش خواهند داشت.
- کسانی که انفاق می‌کنند و از خست نفس خویش مصونند، از رستگارانند.
- پروردگار هر چه را انفاق کنیم عوضش را می‌دهد و او بهترین روزی‌دهندگان است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش انفاق از دیدگاه قرآن کریم در سه بعد: اهمیت و جایگاه انفاق و تأکید آن در قرآن کریم؛ شرایط و آداب انفاق از نظر قرآن کریم؛ و آثار انفاق از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفت. در قرآن کریم انفاق به شکل‌های مختلف مورد تأکید واقع شده است. در بعضی آیات جایگاه انفاق پس از ایمان آوردن و برپاداشتن نماز قرار گرفته است که نشان از جایگاه ارزشمند انفاق در دین مبین اسلام دارد. خدا به دادگری و نیکوکاری و بخشش فرمان می‌دهد و می‌فرماید پیش از آنکه روزی فرا رسد که در آن نه داد و ستدی است و نه دوستی و نه شفاعتی، انفاق نمایید. انفاق در راه خدا مایه رستگاری است. در مورد شرایط و آداب انفاق از نظر قرآن کریم می‌توان گفت که هر مالی را می‌توان انفاق کرد و می‌توان آنرا به افراد مختلف از جمله به پدر و مادر و نزدیکان و یتیمان و مسکینان و به در راه‌مانده داد. صدقه‌های را نباید با منت و آزار، باطل نماییم. از چیزهای پاکیزه‌ای که به‌دست آورده‌ایم، انفاق کنیم و برای طلب خشنودی خدا باید انفاق نمود و برای ریا و برای نشان دادن به مردم نباشد. انفاق در راه خدا را به دیده خسارتی در نظر نگیریم بلکه باید به‌عنوان مایه تقرب به خداوند در نظر آید. در انفاق کردن نباید ولخرجی کرد و نباید تنگ گرفت بلکه باید حد وسط و جانب اعتدال را رعایت نمود. اگر توانایی انفاق نداریم در برابر اصرار و تندی نیازمندان گفتاری پسندیده داشته باشیم. انفاق آثار فراوان مادی و معنوی به همراه دارد. هر نفقه‌ای را که انفاق، یا هر نذری را که عهد می‌کنیم، قطعاً خداوند آنرا می‌داند. هر مالی را که انفاق کنیم پاداش آن به‌طور کامل به ما داده خواهد شد و حتی خدا آنرا برای ما چند برابر می‌افزاید. کسانی که انفاق می‌کنند نه بیمی دارند و نه اندوهگین می‌شوند. انفاق، خشنودی خدا و آمرزش گناهان و عاقبت به‌خیری و ورود به بهشت را در پی دارد.

منابع

۱. قرآن کریم. ترجمه محمد مهدی فولادوند.
۲. افسای، محمد جعفر (۱۳۸۶). "انفاق از منظر قرآن و عترت". فرهنگ کوثر. شماره ۷۲. زمستان ۱۳۸۶.
۳. افسای، محمد جعفر (۱۳۸۷). "انفاق در رهنمود قرآن". فرهنگ کوثر. شماره ۷۳. بهار ۱۳۸۷.
۴. پورطولمی، منیر السادات (۱۳۸۹). "رحمت الهی و رزق بندگان در هستی شناسی قرآن". مطالعات قرآنی (فدک). دوره ۱. شماره ۴. زمستان ۱۳۸۹.
۵. رضوی، سیدمحمد (۱۳۹۱). "تکثر، عوامل، آثار و پیامدها در آیات قرآنی". مطالعات قرآنی (فدک). دوره ۳. شماره ۱۱. پاییز ۱۳۹۱.
۶. سایت پارس قرآن به نشانی www.parsquran.com
۷. سبحانی، حسن و مهربانی، وحید (۱۳۸۶). "بررسی تأثیر انفاق بر نابرابری درآمدها در ایران". اقتصاد اسلامی. سال هفتم. شماره ۲۷. پاییز ۱۳۸۶.
۸. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۰). "مثل‌های زیبای قرآن (۱۳)/ انفاق، و هفتصد برابر پاداش!". درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ۴۱. شماره ۱۲. آذر ۱۳۸۰.
۹. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۰). "مثل‌های زیبای قرآن (۱۵)/ انفاق خالصانه در راه خدا". درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ۴۱. شماره ۱۲. بهمن ۱۳۸۰.
۱۰. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۰). "مثل‌های زیبای قرآن (۱۶)/ انفاق در راه خدا، به دور از منت بر مستمندان". درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ۴۱. شماره ۱۲. اسفند ۱۳۸۰.
۱۱. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۱). "انفاق‌های کافران در دنیا". درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ۴۲. شماره ۳. خرداد ۱۳۸۱.
۱۲. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۳۸۲). "طرز تفکر مؤمن و کافر و مسأله انفاق". درس‌هایی از مکتب اسلام. سال ۴۳. شماره ۶. شهریور ۱۳۸۱.
۱۳. سلطانی، سیدمهدی (۱۳۸۲). "سیمای انفاق در قرآن". کوثر. شماره ۹. تابستان ۱۳۸۲.
۱۴. صادقی، حسین؛ عزتی، مرتضی و شفیعی، علی (۱۳۹۲). "تخمین تابع انفاق در ایران". پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار). سال سیزدهم. شماره ۲. تابستان ۱۳۹۲.

۱۵. عزتی، مرتضی و نورمحمدلو، پروانه (۱۳۹۱). "برآورد اثر متغیرهای اقتصاد کلان بر انفاق". پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی. سال بیستم. شماره ۶۳. پاییز ۱۳۹۱
۱۶. مردانی نوکنده، محمدحسین (۱۳۸۲). "احسان و انفاق از منظر آیات و روایات". کیهان فرهنگی. شماره ۲۰۵. آبان ۱۳۸۲.
۱۷. مسعودی‌پور، سعید و خیری، بهرام (۱۳۹۳). "جاذبه‌های تبلیغاتی مطلوب در بازاریابی اجتماعی انفاق براساس آموزه‌های قرآنی". اندیشه مدیریت راهبردی. سال هشتم. شماره اول. بهار و تابستان ۱۳۹۳.
۱۸. مهدوی‌راد، محمدعلی و عبداللهی‌پور، مهدی (۱۳۹۱). "حکمت گونه‌گونی روزی‌ها از دیدگاه قرآن". مطالعات قرآنی (فدک سبزواران). سال دوم. شماره ۹. بهار ۱۳۹۱.
۱۹. موسایی، میثم (۱۳۸۷). "جایگاه انفاق و خاستگاه اجتماعی - اقتصادی آن (مطالعه موردی: شهر بهبهان)". اقتصاد اسلامی. سال بیستم. شماره ۳۰. تابستان ۱۳۸۷.
۲۰. موسویان، سید عباس (۱۳۸۰). "انفاق قرآنی و ابزارهای مالی مناسب آن در عصر حاضر". اقتصاد اسلامی. شماره ۲. تابستان ۱۳۸۰.